

آینده هم اکنون است

پاناگیوتیس سوتیریس / ترجمه‌ی احمد سیف



سوم ژوئیه برای الکسیس سیپراس نخست وزیر یونان لحظه‌ی مهمی بود. در برابر جمعیتی انبوه در میدان سینتگما با استفاده از عباراتی از شاعر بزرگ اندریاس کلواس «آزادی به شرف و جسارت نیاز دارد» سخنرانی آتشینی به نفع رأی «نه» کرد. متأسفانه در شب طولانی مذاکرات با اتحادیه‌ی اروپا او نشان داد نه شرف دارد و نه جسارت.

۱۳ ژوئیه هم پایان راه برای سیریزا و سیپراس است. با وجود رأی عظیم در دفاع از «نه» و با وجود شواهدی که وجود داشت که بخش عظیمی از مردم آماده‌ی پذیرش‌اند که بریدن از منطقه یورو یک راه‌حل احتمالی است و با وجود هم‌بستگی طیف گسترده‌ای از نیروهای چپ و پیشرو به نفع خروج از قفس آهنین ریاضت اقتصادی منطقه‌ی یورو، سیپراس و گروه رهبری سیریزا به‌سرعت تصمیم گرفتند در برابر خواسته‌های طلب‌کاران یونان تسلیم شوند.

در وضعیت واهمه از هر اندیشه‌ای درباره‌ی خروج از منطقه‌ی یورو و ناتوان از درک این نکته که جامعه‌ی یونانی برای این تحول آماده است و بدون هیچ آمادگی قبلی در برابر تهدیدهای اتحادیه‌ی اروپا و در نهایت برای خروج یونان، سیپراس و تیم مذاکره‌کننده در برابر طرح‌های تازه‌ی طلب‌کاران یونان هیچ مقاومتی نشان ندادند.

آن‌ها هرگز درس‌های تراژدی قبرس در ۲۰۱۳ را نیاموختند. اگر شما سیاست‌های ارائه شده از سوی اتحادیه‌ی اروپا را نپذیرید و آماده نباشید تا از منطقه‌ی یورو خارج شوید، مجبور تان می‌کنند تا بسته‌ی دوم سیاست‌ها را بپذیرید که از سیاست‌های قبلی به‌مراتب سخت‌تر و سنگین‌تر است.

نتیجه‌ی این پذیرش، تعهدات ویرانگری به یک برنامه‌ی تهاجمی نولیبرالی است که از جمله شامل حراج اموال دولتی، ریاضت اقتصادی بیش‌تر، کاستن از بودجه، اصلاح نظام بازنشستگی، و محدود کردن حقوق چانه‌زنی جمعی، و لغو همه‌ی قوانینی است که سیریزا تاکنون وضع کرده و وضعیت سرشکستگی‌آور (حتی می‌توان گفت نبود) حاکمیت ملی و نظارت تنبیهی اتحادیه‌ی اروپا است.

به جای «مصالحه‌ی محترمانه» که سیپراس وعده‌اش را داده بود، شاهد شکستی خفت‌بار و یک مجموعه «قرارداد» سرکوبگرانه و نولیبرالی همانند دو قرارداد پیشین هستیم که به صورت حرکت‌های اعتراضی وسیع در طول ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ در آمد. امروز خطر اصلی این است که مقوله‌ی «چپ» با خیانت و پذیرش کامل ریاضت اقتصادی هم‌سان ارزیابی شود و این هزینه‌ای است که همه‌ی چپ‌بهای آن را خواهد پرداخت.

در ضمن این پایان راه برای چپ مدافع یورو هم هست. اکنون دیگر آشکار شده است که اصرار برناکجاآباد «یوروی خوب» تنها می‌تواند به ویرانه‌ی نولیبرالیسم خودکامه و حاکمیت ملی محدود و مرگ دموکراسی ختم شود.

خروج از منطقه‌ی یورو، توقف پرداخت بدهی، نافرمانی از قراردادهای اتحادیه‌ی اروپا شرایط ضروری و غیر قابل‌اجتناب هر خروج مترقیانه از وضعیت بحرانی کنونی است.

این دیگر تعهد اخلاقی همه‌ی اعضای سیریزا در پارلمان است که اگر می‌خواهند حیثیت و کرامت چپ را نجات بدهند باید علیه این برنامه‌ی تازه رأی بدهند. در غیر این صورت آن‌ها همانند احزاب سنتی دیگرند که بدون این که اسناد مربوطه را خوانده باشند بسته‌های سیاستی ریاضت اقتصادی را تصویب کرده بودند. آن‌ها هم به همان اندازه دشمن مردم و نیروهای کارگری هستند. دیگر معنا ندارد که در پوشش کوشش برای حفظ یک دولت چپ دودلی کنیم. این دیگر یک دولت چپ نیست. سیپراس راهی می‌یابد تا با نیروهای مسلط مذاکره و درکنار آن‌ها حکمرانی کند.

مهم‌تر از هر چیز دیگر، زمانش رسیده است که همه‌ی نیروهای چپ - در درون یا بیرون سیریزا - که می‌خواهد راه بریدن از یورو، راه نه گفتن را پیش برد دست به کار بشوند. ما به یک جبهه‌ی چپ که با جرئت و شجاعت روی نه گفتن و جدایی از منطقه‌ی یورو توافق داشته باشد نیاز داریم. اگر گروه‌گرایی‌ها را نادیده بگیریم و اگر درگیری‌های کوچک درون چپ رادیکال را کنار بگذاریم ما به این جبهه هم اکنون نیازمندیم.

ما دقیقاً به نزدیکی نیروهای سیاسی و پویا جنبشی آن نیازمندیم که بتواند به‌طریق دیالکتیکی میراث سیریزا را ادغام کند و از آن فراتر برود، تجربه‌ی ضد سرمایه داری انتاریسیا و تجربه‌ی دیگر اشکال مبارزاتی در جنبش را. بحران یونان یک شکاف تاریخی ایجاد کرده که اکنون در جامعه‌ی یونانی شاهد هستیم و شرایط را برای ایجاد بلوک‌های تازه‌ی قدرت فراهم کرده است. سیریزا نتوانست این امکان بالقوه را به صورت یک پراکسیس سیاسی ترجمه کند. ما وظیفه‌ی تاریخی داریم این کار را تمام کنیم.

نیاز داریم روحیه‌ی نه گفتن و روحیه‌ی مقاومت و کوشش جمعی را حفظ کنیم درحالی که طبقات اصلی جامعه را در حالت شوک، سرشکستگی و احساس فریب‌خوردگی رها نمی‌کنیم. چون اگر اجازه دهیم این وضع پیش بیاید نه فقط به مبارزه‌ی فردی برای بقا می‌رسیم بلکه فاشیست‌ها که هم اکنون هم می‌کوشند خود را به‌عنوان تنها نیرویی که نه می‌گوید دگرسان کنند سر برمی‌آورند و قدرتمند می‌شوند.

امروز روز غم‌باری است. ولی نباید روح شادی، شجاعت و اراده را که پس از همه‌پرسی احساس کرده بودیم فراموش کنیم. این‌جاست که آن امکان بالقوه وجود دارد و این‌جاست که می‌توانیم امید را دوباره به دست بیاوریم. مبارزه ادامه دارد. آینده همچنان در برابر ماست.

منبع:

<https://zcomm.org/znetarticle/the-future-is-now/>

(بازنشر از ژاکوبین مگ)

برگرفته از نقد اقتصاد سیاسی